

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۰۵ فروری ۲۰۱۴

کرزی دچار اضطراب جدائی از بادر خود امپریالیسم جنایتگستر امریکا

اینک که حدود سیزده سال از جنایات امپریالیسم جنایتگستر امریکا و بقیه شرکای جرمش با مشتی از وطنفروشان و خائنان می گذرد با وجودی که کرزی خائن و خود فروخته در طول این مدت هیچ صلاحیتی در اجرای سیاست های داخلی و خارجی افغانستان نداشته، ولی اینک می خواهد با هویت پوشالی که دارد ازده ها حیل و نیرنگ در مقابل خلق افغانستان کار بگیرد. وی می خواهد با تأخیر در امضای توافقنامه امنیتی طوری وانمود بسازد که حصار فکر را در خود به اصطلاح درهم شکسته، خود را از زنجیر اسارت ذهنی رها نموده، مخالفت خود را با این پیمان اعلان می دارد. به این معنا که دیگر حاضر نیست افغانستان کشتار گاه امپریالیستها و افغانها قربانیان این کشتارگاه باشند.

سیزده سال باسر سپردگی به مرداب امپریالیسم با فریب و نیرنگ برای استمرار حاکمیت خود و غارت پول های ملت و برآورده ساختن امیال غیر انسانی امپریالیستها سکوت بردگی اختیار نمود.

این که امپریالیسم جنایتگستر امریکا در مدت سیزده سال به اصطلاح ریاست جمهوری کرزی، فقط صلاحیت امضای توافقنامه امنیتی را به وی واگذار شده، در حقیقت ارزش دادن و ارج گذاشتن به خائن وابسته است که سیزده سال دست بداران خود را در قتل عام مردم و تمام فجایع دیگر باز گذاشت.

همین لحظه گوشه ای از داستان فلمی به خاطر گذشت که چندی قبل در سینما در معرض نمایش قرار داده بودند. ازدو جهت آرزو داشتم تا از این فلم دیدن نمایم. یکی این که علاقه مندی خودم به وقایع تاریخی و دیگر سفارش و پیشنهاد همکار و دوست دانشمند داکتر صاحب میر عبدالرحیم عزیز که ایشان علاوه بر تماشای فلم، نقد بسیار جامع در باره آن نوشته و در پورتال به نشر سپرده شده بودند. فلمی که زندگی برده های سیاه را به نمایش می گذاشت. این داستان سرگذشت واقعی یک برده بوده نه یک رومان. سیاه پوستانی که توسط سفید پوستان دزدیده می شدند و به دیگر سفید پوستانی که صاحب پلانتاژ ها و صاحب قدرت بودند، به فروش می رسیدند. یکی از این برده ها با فداکاری که به صاحب خود نموده بود از جانب وی به مقام بهتری می رسد به این معنا که روزی بادر با خانمش مشکل پیدا می کند و هر دو شروع به گفت و گو می نمایند. بادر در اثر گفت و گو با خانمش آنقدر عصبانی می شود که دست به اسلحه می برد و می خواهد به طرف خانمش فیر کند در همین موقع برده به خود جرأت می دهد و مانع فیر نمودن بادر به خانمش می گردد. بادر از این عملکرد وی خرسند می شود. در غیر آن باید به حیث قاتل زندانی می شد. همین خدمت وی به بادر باعث می شود که از لطف و عنایت بادر برخوردار شود. یعنی حایز "مقام و ارزش" بالاتر نسبت به دیگر برده ها می شود. به این مفهوم که برده نظر به خدمتی که انجام داده، اجازه دارد بعد از این که بادر غذایش را صرف نمود در صورتی که پس مانده هائی که از وی در پیشقاب باقی مانده باشد، صرف نماید. این بود مقام و ارزشی که بادر به برده

خود قایل شده بود. ناگفته نماند که برده هم از این موقف خود بسیار خوشحال بود چون زندگی نا انسانی توأم با فجایع و ظلم و ستمی را که برده ها تحت اسارت سفید پوستان امریکا در قرن هژدهم داشتند، می توان زندگی خلق به اسارت کشیده افغان را در قرن بیست و یکم به آن مقایسه نمود. اما فرق در اینجا است که برده های سیاه پوست را می زدند و به بردگی مجبور می ساختند و لی با آنهم برای نجات جان یک انسان خود را به مخاطره می اندازد و زن بادر را از مرگ نجات می دهد. ولی کرزی که خود قلاده بردگی را به گردن انداخته ، حدود سیزده سال است که از صد ها طفل و زن و مرد افغان بی پناه و بی سلاح و شکم گرسنه که با راکت و بم به خاک و خون یکسان شدند، نه تنها به خاطر یک طفل مظلوم و یا به خاطر یک زن ستمدیده صدای خود را بلند نکرد بلکه جهت ادامه و حفظ مقام بردگی خود، امپریالیستها را گذاشت تا بکشند و ببندند و غارت کنند و تباهی بیافرینند.

حالا خود را شیرک برفی ساخته و سر غور و فیش آمده بعد از سیزده سال تجاوز، این برده به اصطلاح بی خبر از دنیا قادر شده ماهیت امپریالیسم و اهداف استعماری آنها را در افغانستان درک کند. عجیب نیست ؟ شاید هم کرزی ضرب المثل معروف کابلان را زمزه کند و بگوید که ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است. اما کرزی فراموش نکند که ماهی خار ها دارد.

از سخنرانی اخیر کرزی با ژورنالیستها طوری معلوم می شود که این شخصیت خائن و خود فروخته نه از تاریخ تجاوزات چند قرنۀ کشور خود اطلاع داشته و دارد و نه از اهداف تجاوزات امپریالیستی در کشور ما افغانستان و دیگر کشور های جهان . آیا زمانی که امپریالیسم جنایتگستر امریکا و و شرکاء به خصوص امپریالیسم ناتو به کشور های جهان تجاوز می کنند مگر چه اهداف دیگری را می توانند داشته باشند به غیر از قتل و قتال خلقها و چور و چپاول منابع طبیعی و ایجاد پایگاه های نظامی و یا آن گاهی که انسان به اصطلاح بی خبر از تاریخ زمانی که بر اریکه قدرت به حیث دلچک امپریالیسم قرار داده شد ، آیا فکر می کرد که متجاوزان وجدان انسانی و حس بشر دوستی دارند که در کشوری مانند افغانستان که دارای موقعیت ستراتیژیک مهم و داشتن منابع سرشار طبیعی است، با تجهیزات نظامی قرن بیست و یکم که در دسترس خود دارند، تجاوز می کنند تا مردم و کشور را از بدبختی نجات دهند؟ از این دلچک باید پرسید: در صورتی که خودت تاریخ تجاوزات استعماری دیگر کشور های جهان را مطالعه نکرده ای و از تاریخ تجاوزات استعماری بر کشور افغانستان را که نه تنها روی صفحات تاریخ درج است بلکه مبارزه، مقاومت و سلحشوری افغانها علیه استعمارزبانزد عام و خاص است، به اصطلاح بی خبر هستی. گیرم که در بارۀ امپریالیسم ، امیال و خواسته ها و اهداف امپریالیستی و استعماری اطلاع نداشتی، می توانستی لااقل از مشاور خائن و خود فروخته و پهلو نشین شب و روزت دادفر سینتا معلومات کافی به دست بیاوری و یا این که او هم با به دست آوردن پول و کسب مقام ، خط بطلان بالای تمام وقایع تاریخ استعماری و امپریالیستی کشیده آموخته هایش را از یادبرده است؟ البته هیچ جای شکی هم از خود فروخته ها و وطن فروشان نیست. چون پول و مقام چشم انسانهای خودفروش را کور می کند. ولی اصل قضیه در اینجا است که کرزی با فهم و درک از اهداف امپریالیستها به حیث نوکر امپریالیسم امریکا آگاهانه شریک جرم و جنایات آنها است. چون تاریخ مصرف وابستگی اش به آخر رسیده، از صحبت هایش در این اواخر طوری وانمود می شود که کرزی دچار اضطراب جدائی از بادران خود شده است. از مطالعاتی که من در بارۀ کرکر انسانهای وابسته دارم می توانم به وضاحت بگویم که انسانهای وابسته و خائن، ناتوان هستند و بی کفایت ، هیچ گاه مستقلانه و بدون کنترل دقیق مراجع قدرت قادر به انجام کار ها نیستند. یعنی اجازه دخالت در امور از آنها سلب می گردد. به همین ترتیب انسانهای وابسته جرأت ابراز نظر و مخالفت کردن با نظرات بادران خود را ندارند یعنی ذلیل و ناتوان اند.

در تصمیم گیریهای روزمره با مشکل مواجه هستند و از دیگران نظر خواهی می کنند. چنانچه کرزی، هر وزیر و رئیسی را که در این مدت سیزده سال تجاوز و خونریزی از قدرت برکنار شده اند، لطفی در حق آنها نموده همه را به حیث مشاور خود در ارگ شاهی جا داد. از اسپینا خودفروخته گرفته تا جهادی های قاتل و سران ارتجاع.

وابسته ها همیشه دوست دارند قلاده بردگی را در گردن داشته باشند و طبق امیال و خواسته های بادران خود به هر طرف کشانده شوند یعنی رفتار تسلیم جویانه چون نیاز به مراقبت و حمایت دارند و همیشه کوشش می کنند تحت سلطه باشند یعنی وابستگی کامل به دیگران .. وابسته هائی مانند کرزی در صورتی که از بادران خود دور شوند دچار اضطراب جدائی می شوند . کرزی از اضطراب زیاد ژورنالیستها را به دور خود جمع نمود. بعد از سیزده سال تجاوزخواست تا گوشه ای از درد های دل مضطرب خود را بازگو نماید و آنها جیونانه و بیشرمانه، طوری صحبت نمود که هیچ اتفاقی در طی سیزده سال در افغانستان نیفتاده و حالا با عدم امضای توافقنامه امنیتی تصمیم گرفته تا جلوی جنایات و فجایع امپریالیستها را سد گردد.. **لینک سخنرانی کرزی به تاریخ ۳ جنوری در پورتال نشرگردیده بایاداشت**

پورتال "نشر اعترافات زبونانه کرزی به معنای تأیید شخصیت این وطنفروش نمی باشد"

توجه شما خوانندگان گرانقدر را به شنیدن سخنرانی کرزی خواهانم، باشد تا خود قضاوت تانرا در مورد وی صادر نمائید.

اگر کرزی با موقف عدم امضای توافقنامه امنیتی با امپریالیسم امریکا آرزو داشته باشد که بعد از این همه جنایت و قتل و قتال ظلم و ستم و هزاران ناروایی دیگری که در حق خلق به اسارت کشیده افغانستان صورت گرفته، می تواند خود را از زندان مصیبت و تیره روزی که آنها برایش بنا خواهند نمود، و کرزی در آن جوابگو باشد، گریز نماید، دیر است، کور خوانده است، چه در صورتی که از دست انتقام مردم بتواند خود را نجات دهد، از حکم تاریخی رهائی ندارد. به یقین که اسمش در ردیف خائنین دیگر مانند تره کی ها و امین ها و ببرک ها درج تاریخ زمامداران نوکر استعماردر افغانستان خواهد گردید.